

پیشنهاد آقای خاتمی چشم بستن بر واقعیتهاست !

چهارشنبه ۴ خرداد ۱۳۹۰ - ۲۵ می ۲۰۱۱

احسان دهکردی

آن شرایط نیز فراخواهد رسید که ولی فقیه در لحظه سقوط نظام جام زهر را بنوشد، همانطور که "امام راحل" در جنگ ایران و عراق نوشید.

شاید پیشنهاد آقای خاتمی در آنزمان به یاری دستگاه سیاه ولایت بیاید و در فریب مردم بکارگرفته شود.

آقای خاتمی دوباره بعد از کشمکشهای میان احمدی نژاد و "رهبری" خواسته هایی را با مسئولین نظام مطرح کرده اند که در عمل مشکل گشای حل مسائل جامعه ما نخواهد بود.

اصلاحات یا تغییرات مسالمت آمیز در شرایطی در یک جامعه کارساز است که ابزارهای آن در جامعه موجود باشد.

در واقع بعد از ریاست جمهوری خاتمی در ایران عوامل رشد نهادهای اجتماعی مهیا شد و قدرتهای مردمی از طریق گسترش تشکلهای مختلف به طرح مشکلات و مسائل خود پرداختند. طرح حقوق شهروندی، حقوق سیاسی، آزادی مطبوعات و خواسته های صنفی در همان چارچوب حکومتی پایه های استبداد دینی را به لرزه در آورد.

در این دوران نهادها و تشکل های مردمی شکل گرفت و مبارزات اجتماعی از طریق این نهادها به طرح مطالبات خود پرداختند.

اصلاحات اجتماعی حرکت سیاسی یک طرفه نیست، هم حاکمان باید بپذیرند هم نیروهای اجتماعی درون جامعه، به هر حال در یک جامعه مدنی به قول هانا آرننت تناسب نیروهای اجتماعی است که عمل می کند، ولی قبل از هر چیز پذیرش قوانین این چرخه سیاسی از طرف همه بازیگران سیاسی است که اهمیت دارد.

معمولاً انقلاب زمانی در یک جامعه زمینه های رشد خود را می یابد که عوامل خشونت آمیز روند سیاسی تکامل مسالمت آمیز اجتماعی را سد کنند.

از ابتدای حرکت اصلاحات تا آغاز ریاست جمهوری احمدی نژاد در زمینه های اجتماعی گوناگونی که رشد جامعه سد شده بود، شاهد شکوفائی بودیم و جامعه توانست رشد سیاسی و اقتصادی ناشی از به هم خوردن توازن قدرت سیاسی در بالا را با چشم خود شاهد باشد.

کشمکش های میان اصلاح طلبان و نیروهای طرفدار ولی فقیه به باز

گشائیه‌های سیاسی و افشاگری‌هایی منتهی شد که رفته رفته به مرزهای قرمز باند ولی فقیه نزدیک شد، و مسائلی در جامعه طرح شد که باعث افزایش قدرت اصلاح طلبان و بی اعتمادی مردم به باند ولایت فقیه شد. محبوبیت اصلاح طلبان و کینه مردم به باند رهبری در افشا شدن بسیاری از سیاه کاریها، حیف و میل کردن ثروت ملی، دزدیها و جنایت های سیاسی، چشم اندازهای جدیدی را در میان مردم گسترده.

آزادیهای سیاسی و مطالبات اقشار مختلف اجتماعی در محدوده ای مطرح بود که نظام اسلامی قادر به پاسخ گوئی به آن بود، اما رفته رفته با گسترش مبارزات اجتماعی و باز شدن عرصه های جدید مطالباتی و اطلاعاتی، وارد شدن روزنامه ها به خط قرمزهای سیاسی نظام و گسترش فعالیتهای نهاد های مردمی شرایط سیاسی در ایران را دگرگون کرد.

اصلاحات تا زمانی مقبول ولایت فقیه بود که مرزهای قدرت او خدشه ناپذیر باقی بماند، روند اصلاحات به نفعی قدرت فردی و نفعی حاکمیت دینی منتهی می شد و این نتیجه گسترش اصلاح طلبی در جامعه بود.

حضور گسترده مردم به پای صندوق های رأی و انتخاب کسانی که مقبول "رهبری" نبودند، مخالفت علنی و آشکار مردم با دستگاه ولایت و رهبری خامنه ای بود.

این روند به خصوص با برخورد خشونت آمیز دستگاه های سرکوب جمهوری اسلامی، شکنجه، تجاوز جنسی به مردمی که مسالمت آمیز به اعتراض برخاسته بودند و ترور، هر گونه توهم تغییر سیاسی مسالمت آمیز را در جمهوری اسلامی پایان بخشید.

اصلاحات آخرین تلاش های خود را انجام داد و آخرین تلاشهای سیاسی در چارچوبه نظام اسلامی بعد از دوران شکوفائی ریاست جمهوری آقای خاتمی در واقع به پایان رسید.

تلاش آقایان موسوی و کروبی و حمایت میلیونی مردم از آنها بازنگری دوباره مردم به صندوقها بعد از یک دوره دوری و قهر با صندوق های رأی بود که با قلدری ولی فقیه رأی مردم زیر گرفته شد. گنجایش نظام اسلامی با توجه به قانون اساسی در توسعه اصلاحات محدود به مرزهای سیاسی است که توسط قانون و ولی فقیه تعیین شده و می شود.

این ظرفیت بعد از دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی به پایان رسید و بر همین اساس بود که تلاش آقایان موسوی و کروبی به نتیجه نرسید.

امروز بعد از گذشت پنج سال از ریاست جمهوری احمدی نژاد، وضعیت سیاسی ایران به گونه ای است که نمی توان آن را به 5 سال پیش برگرداند، مطالبات امروز مردم در مرحله ای قرار دارد که بسیاری از توهمات گذشته را پشت سر گذاشته است.

روند تکاملی مبارزات سیاسی امروز مردم و مطالبات آنها در چارچوبه

های نظام جمهوری اسلامی قابل تحقق نیست و طرح دوباره شعار های اصلاح طلبی نتیجه ای جز تحلیل انرژی مردم در بر ندارد. کسانی که امروز به مصلحت جامعه ! یا با در نظر گرفتن شرایط سیاسی داخلی همچون آقایان خاتمی و عباس عبدی هنوز از اصلاح طلبی دم می زنند، شرایط سیاسی امروز را در نیافته اند.

تغییر سیاسی در ایران فقط با حذف ولی فقیه و برجیدن بساط حاکمیت دینی ممکن است، اما این روند به چه صورت انجام خواهد شد، عملکرد نظام جمهوری اسلامی تعیین کننده سیاست نیروهای اپوزیسیون خواهد بود، آنچه مهم است جمهوری اسلامی به رأی مردم تمکین نکرد و علیه رأی آنها عمل کرد.

امروز کشمکش و درگیریهای سیاسی جمهوری اسلامی فقط در محدوده مرزهای ایران نیست. از ترورهای خارج کشور، مسئله اتمی، درگیریها و دخالتهای نظامی در منطقه جمهوری اسلامی را درمقابل منافع مستقیم آمریکا و کشورهای اروپائی قرار داده است.

جمهوری اسلامی برای گریز از جنگ باید ایران را ترک کند، باید از جنگ که جز ویرانی ایران پیامدی ندارد دوری کند و به رأی مردم تمکین کند، ولی... آنچه در عمل در حال انجام است گسترش خشونت است که در تقابل میان جمهوری اسلامی و نیروهای ناتو سرنوشت جمهوری اسلامی رقم خواهد خورد.

و این غم انگیزترین جنگ در سرزمین ایران خواهد بود. به هرصورت سرنوشت خامنه ای بهتر از سرنوشت بشار اسد و قذافی نخواهد بود.

خرداد 1390